

نسبت فهم قرآن کریم و حوزه مطالعات تمدنی^۱

محمدتقی سبحانی^۲

چکیده

تفسیر قرآن، به معنای پرده‌برداری از معنای قرآن است. بشر در حوزه تفسیر با سه لایه معنایی یا سه وجهه گوناگون قرآن مواجهه است که این سه وجهه را باید پیشاپیش شناخت و از هم تفکیک کرد. این سه لایه تفسیری عبارت است از:

۱. لایه اول: تفسیر استنباطی؛

۲. لایه دوم: تفسیر استنتاجی؛

۳. لایه سوم: تفسیر استطباقی.

سه لایه تفسیری باید از یکدیگر تفکیک شوند. تفکیک نه به معنای گرفتن یکی و فروگذاری دیگری است؛ بلکه به معنای شناختن آن‌ها و در اساس، در کنار هم آوردن آن‌هاست. سه لایه معنایی، سه لایه طولی قرآن کریم است که رفتن از لایه بعدی به لایه قبلی ممکن نیست؛ اما هرکدام از این لایه‌های معنایی قرآن، خصوصیات و شاخصه‌ها و روش‌شناسی خودویژه‌ای دارد. متدولوژی فهم این لایه‌ها، ویژگی خاصی دارد و دستاوردی هم که از فرآیند این فهم به دست می‌آوریم، از لایه دیگر متفاوت است. این سه لایه یا این سه روش‌شناسی فهم قرآن، چیزی است که در نهایت اگر به درستی طی شود، ما را به یک فهم تمدنی از قرآن می‌رساند.

کلیدواژگان: قرآن کریم، مطالعات تمدنی، تفسیر سه‌لایه‌ای، روش‌شناسی.

^۱. برگرفته از مصاحبه با استاد در نشست‌های تخصصی.

^۲. عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.